بررسی ماهیت فقهی مضاربه و انواع آن

رحمت الله اخلاقی[1]

چکیده

ازجمله موضوعاتی‌که باگذشت زمان و روابط حاکم برآن، تحوّل پیدا کرده و زمان و مکان در دگرگونی آن نقش مهمی داشته، مضاربه است؛ مضاربه عقدی است بین دونفرکه یکی صاحب سرمایه و دیگری عامل تجارت برای سرمایه‌گذاری است؛ مبنی بر اینکه سود حاصل بین آنها، به نسبت مورد توافق، تقسیم شود.

به عبارت دیگر، مضاربه عقدی است که درآن سرمایه و کار به شراکت نهاده می‌شود. بدین ترتیب که یک طرف قرارداد، سرمایه آن را تأمین می‌کند که مالک نام دارد و طرف دیگر با آن سرمایه به تجارت پرداخته و به کسب سود برای طرفین می پردازد، که شخص اخیر عامل نامیده می‌شود. این عقد به لحاظ مشارکت دو طرف، از عقود معاوضی محسوب می‌گردد. عقد مضاربه دارای سه رکن اساسی می باشد، که عبارتند از سرمایه، تجارت و سود.

با اندکی تأمل می‌توان شرایط لازم برای سرمایه عقد مضاربه از دیدگاه فقه را در نظرگرفت که شامل عین بودن، معلوم بودن، معین بودن و وجه نقد بودن آن می‌باشد. همچنین اکثریت فقهای اسلام در شرایط فوق با یکدیگر در توافق هستند و عدم رعایت آنها در سرمایه را سبب بطلان عقد مضاربه و یا لا اقل خروج آن قرارداد از شمول عقد مضاربه و تلقی آن بعنوان عقدی نامعین بر اساس اصل آزادی در قراردادها می‌دانند. قواعدی دیگر نیز بر سرمایه مضاربه حاکم است؛ از جمله شرایط اهلیت تأدیه کننده و دریافت کننده آن و لزوم مالکیت مالک بر مال مضاربه. پس از اجرای عقد یا انحلال آن و در هنگام تقسیم سود نخست به میزان سرمایه اولیه از سود ناخالص برداشته و به عنوان سرمایه مضاربه به مالک عودت می‌گردد و از سود خالص باقی مانده بین اصحاب قرارداد تقسیم می‌شود. درصورت تلف سرمایه عامل امین است و جز در صورت تعدی و تفریط یا شرط لازم ضمن عقدی دیگر مبنی بر لزوم جبران تلف از جانب عامل، ضامن نقصان سرمایه نمی‌باشد.

هدف از این پژوهش بررسی ماهیت فقهی مضاربه و انواع آن است که با روش تحلیلی- توصیفی انجام شده است. یافته‌های پژوهش حاکی از آن است که اسلام اهمیت زیادی به کار و فعالیت اقتصادی از طریق به کارگیری نیرو و سرمایه مالی از جمله عقد مضاربه داده است.

واژه‌گان‌کلیدی: سرمایه، کار، شرکت، مضاربه، مال المضاربه، ارکان مضاربه، انواع مضاربه.

---

۱ - دانش‌پژوه دکتری علوم اقتصادی، جامعه المصطفی العالمیه. rakhlaqi@yhoo.com

مقدمه

فقه اسلامی بایدها و نبایدهای موضوع کار اقتصادی را روشن می‌سازد، و برای این موضوع دستورات ضابطه مندی دارد. برای روابط حاکم بر بازار کار، مانند رابطه بین کارگر و کارفرما، حقوق کارگر، وضعیت محیط کار و خصوصیات الزامی نیروی کار، احکام و دستورات عملی را به صورت مشخص بیان داشته است. دستورات فقهی که برمبنای آموزه‌های وحیانی با اشراف کامل برتمام شؤنات انسان، بنا گردیده است توسعه اقتصادی را نه از طریق تجربه آزمون و خطاء، بلکه با شناخت کامل از انسان و توانائی‌های او و منابع فعالیت‌های اقتصادی انسان بر اصول مستحکم و استواری بنا نهاده است. فقیهان به طور مستقل یا در ضمن مباحث فقهی خود این احکام و دستورات را در قالب عقود مضابه و غیره به تفصیل مطرح کرده‌اند.

مفهوم شناسی

مضاربه مصدر باب مفاعله است و آن عبارت است از اینکه شخصی مال و سرمایه خود را به دیگری بدهد تا در مقابل سود، با آن کار کند. این واژه در اصل برگرفته از (الضرب فی الارض) است که به معنای قدم زدن و مسافرت در زمین آمده است (وکنایه از این است که شخص عامل به منظور تجارت پا را به زمین می‌زند و سرمایه را به این طرف وآن طرف می‌برد)(فیومی، المصباح المنیر، ص۳۵۹). اهل حجاز به مضاربه قراض می‌گویند. چنانچه جوهری می‌گوید: «وضرب فی الارض ضربا و مضربا بالفتح؛ ای صار فی ابتغاء الرزق و ضاربه فی المال من المضاربه، و هی القراض. از ماده «ضرب» به معنای پیمودن زمین، برای طلب رزق و روزی گرفته شده است، و ضاربه فی المال از مضاربه، یعنی قراض است»(جوهری، الصحاح، ماده ضرب، ص ۱۶۸). قراض از قرض است به معنای قطع، یعنی گویا صاحب مال قسمت از مال و سرمایه خود را جدا کرده و به عامل داده است و یا اینکه قسمت از سود و فائده را در مقابل کار عامل جدا کرده و به او می‌دهد (شهیدثانی، ۱٤۱۰،٤،۲۱۹؛ نجفی، بیتا، ۲٦، ۳۳٦). همچنین ابن منظور می‌گوید: اینکه از ماده ضرب زیر و رو شدن مال گرفته شده است، و بر این اساس علت نامگذاری این معامله به مضاربه این است که در این معامله، سرمایه در گردش می‌افتد و زیر و رو می‌شود(ابن منظور، لسان العرب، ماده ضرب، ج۱ و ۵، ص ۵۴۳).

این واژه ریشه قرآنی نیز دارد. خداوند در سوره مبارکه مزمل می‌فرماید: وَ ءَاخَرُونَ يَضْرِبُونَ فِي الْأَرْضِ يَبْتَغُونَ مِن فَضْلِ اللَّهِ؛ گروهی دیگر برای بدست آوردن فضل الهی(وکسب روزی) به سفر می‌روند (مزمل:۲۰). از آن‌جاکه در این نوع مشارکت و معامله، عامل، برای تجارت بر زمین گام می‌گذارد و به سفر تجارتی می‌رود، صاحب مال و سرمایه، سرمایه خود را به تجارت می‌زند آن را مضاربه می‌نامند.

در اصطلاح فقهی، یکی از قراردادهایی که به منظور شرکت در کارهای تجاری بسته می‌شود مضاربه است و آن عبارت از قراردادی است که میان دو نفر بسته می‌شود و بر مبنای آن، یکی عهده دار سرمایه و دیگری عهده‌دارکار برای تجارت می‌شود و سودی بدست آمده، میان هر دو تقسیم می‌شود. امام خمینی(ره) در تعریف مضاربه می‌گوید: مضاربه قراردادی است که میان دو طرف واقع می‌شود؛ به‌گونه‌ای که یك طرف، سرمایه تجارت و دیگری کار و تجارت را برعهده می‌گیرد و سود بدست آمده به دو طرف تعلق می‌گیرد(امام خمینی۱،۱٤۰۷، ٥٦٤). در جای دیگر می‌نویسد: «و تسمّی قِراضاً، وهی عقد واقع بین شخصین علی ان یکون راس المال فی التجارة من احدهما و العمل من الآخر، ولوحصل ربح یکون بینهما ولوجعل تمام الربح للمالک یقال له: البضاعة»(همان، ۱٤۰۲ق، ۱، ۶۴۶) و «قراض» نامیده می‌شود و آن عقدی است که بین دو نفر واقع می‌شود براین‌اساس که سرمایه تجارت از یکی از آن‌ها و کار از دیگری باشد و اگر سودی پیدا شود بین هر دو مشترک باشد و اگر تمام سود برای مالک قرار داده شود به آن «بضاعه»گفته می‌شود. «ظاهراً معاطات و فضولی در مضاربه جاری می‌شود، پس با معاطات، صحیح است و اگر از طرف مالک یا عامل به‌صورت فضولی واقع شود، با اجازه آن‌ها صحیح می‌شود»(همان، ۶۴۹).

پیشینه مضاربه

مسئله مضاربه تاریخچه‌ای دیرینه دارد؛ این نوع از معامله پیش از اسلام در میان مردم آن زمان رایج بوده است. از آن‌جا که شغل اغلب مردم جزیرةالعرب خصوصاً آنان که در مکه زندگی می‌کردند، تجارت بوده است، مضاربه میان آنان بدین گونه بوده که شخصی مال خود را به دیگری می‌داد، تا با آن تجارت کند و سود حاصل از آن را بین خود تقسیم کنند و خسارت احتمالی هم متوجه صاحب مال بوده است. درست به همین صورت که در فقه اسلامی مطرح است. در آن زمان به صاحب مال مضارب و به کسی که پول را می‌گرفت و به آن به تجارت می‌پرداخت، عامل و به این معامله مضاربه یا قِراض می‌گفتند(ابراهیمی، ۱۳۷۷: ۲۰). در میان اشخاص سرشناس که در آن زمان مشغول تجارت مضاربه‌ای بوده‌اند، می‌توان به افراد ذیل به عنوان نمونه اشاره کرد:

۱- خدیجه دختر خویلد؛ ایشان از زنان ثروت مند، پول دار و تاجر بوده است، که پول و سرمایه خود را به تاجران می‌داد تا با آن تجارت کنند. از آن‌جا که در مضاربه باید عامل امین باشد، و او شنیده بود که محمد بن عبدالله، جوان پاک و امین است، او را خواست و پشنهاد نمود که سرمایه اش را تحویل بگیرد و به تجارت مضاربه‌ای بپردازد، محمد بن عبدالله هم پیشنهاد او را پذیرفت و راه شام را در پیش گرفت و با توجه به امانت و مدیریتی که آن حضرت داشت، تجارت سود مندی انجام داد. حضرت اجناسی را که از مکه به شام برده

بود، به قیمت مناسب فروخت و اجناسی را که از شام خریده بود و به مکه آورد نیز به قیمت مناسب فروخت، و در نتیجه، سود فراوانی هم برای خودش و هم برای خدیجه به دست آورد(ابن هشام، بی‌تا،۱، ۱۹۱).

۲- عباس ابن عبدالمطلب عموی پیامبر اسلام؛ او که از ثروت مندان بزرگ قریش بود، نیز اموال خود را در تجارت مضاربه‌ای به جریان می‌انداخت. در روایتی از امام صادق علیه السلام نقل شده است که فرمود: وَ كَانَ لِلْعَبَّاسِ مَالُ مُضَارَبَةٍ فَكَانَ يَشْتَرِطُ أَنْ لَايَرْكَبُوا بَحْراً وَ لَايَنْزِلُوا وَادِياً فَإِنْ فَعَلْتُمْ فَأَنْتُمْ ضَامِنُونَ وَ بَلَغَ ذَلِكَ رَسُولَ اللَّهِ فَأَجَازَ شَرْطَهُ عَلَيْهِم؛ عباس عموی پیامبر اموال مضابه‌ای داشت، و همواره با عامل شرط می‌کرد که از راه در یا و دره به تجارت نرود (چون خطر سرقت وجود دارد و می‌گفت) اگر این کار را بکنید (و اموال تلف بشود) ضامن هستید. وقت این شرط به گوش پیامبر(ص) رسید حضرت آن را اجازه داد و امضاء نمود (نوری، ۱٤۰۸: ۱۳، ٤٥٥).

موضوع مضاربه

مشهور در میان فقها این است که مضاربه باید در امور تجارتی باشد و در غیرآن صحیح نیست؛ اما به اعتقاد برخی از فقها، مضاربه در مطلق امور تجاری و معاملاتی جریان دارد؛ آنان معتقدند که مضاربه لازم نیست که در امور تجاری باشد، بلکه در هرکاری دیگر مثل کارهای تولیدی، دامداری و غیره نیز مانع ندارد و آن‌ها شامل مضاربه می‌شود(مکارم شیرازی، ۱۳۷۵: ۲، ۲۸٦). از نگاه این دسته از فقها، مضاربه عبارت است از «پیوند دادن کار تولیدی و کار خدماتی». مصداق مضاربه کار پیله ور است. مثلا فرد روستایی تخم مرغ، میوه، گندم و گوسفند تولید کرده است، ولی فرصتی برای بافتن پارچه یا درست کردن ظرف مسی ندارد، و یا به ظرف نیاز دارد اما خود مسگری بلد نیست و در ده او نیز مسگری وجود ندارد. مسگر در مرکز دهستان و یا در شهر است. از سوی دیگر مسگر نیز از صبح تا شام مسگری می‌کند، ولی تمام مشتری‌های او در شهر به سر نمی برند، بلکه عده‌ای از مشتری‌های واقعی مسگر در روستا هستند. برای مسگر صرف نمی‌کند که خود ظرف مسی را بردارد به روستا ببرد و در مقابل تخم مرغ، شیر و ماست و غیره بخرد. هم چنین برای روستایی سود ندارد که هر روز ده عدد تخم مرغ را به شهر بیاورد و از کار و زندگی خود باز بماند. کار پیله ور، آن است که از یک طرف، ظرف و جوراب بافته و کفش دوخته و امثال آن را به روستا می‌برد و از آن طرف مرغ و تخم مرغ و پنیر و ماست و گندم و امثال آن را به شهر می آورد. حال یا مبادله او جنس به جنس است و یا پای پول به میان می‌آید و مبادله را آسان می‌کند. پس مصداق مضاربه کار پیله ور است، ولی معنای آن این است که پیله ور در ازای ظرف مسی مسگر، به او پول نمی دهد، چون پول ندارد که بدهد، بلکه با او قرار می‌گذارد که آن را ببرد و بفروشد و سهمی از آنچه به دست آمد از آن او باشد و سهمی نیز از آن مسگر، از جانب دیگر نیز با روستایی قرار می‌گذارد که مرغ و تخم مرغ او را به شهر ببرد و بفروشد و

هرچه به دست آمد سهم او و مقداری دیگر سهم روستایی باشد، که این همان مضاربه است. سرمایه از مسگر و یا روستایی است و کار خدماتی از پیله ور، و این عمل ترکیب کار تولیدی و خدماتی است. آنچه به دست می‌آید نیز باید عادلانه میان این کار تولیدی و خدماتی تقسیم شود.

مسأله‌ی که در اقتصاد وجود دارد این است، که باید نوع مضاربه بنا برمکانیسمی عادلانه باشد وآنچه که از این ضمیمه شدن کار تولیدی و خدماتی به دست می‌آید، در حقیقت سود نیست، بلکه عبارت است از چیزی که باید به ازای خدمات داده شود. کار پیله ور، بقال، فروشنده، دور گرد، نانوا، روزنامه فروش و... از همین قبیل است و هیچیک سوددهی سرمایه غیر تولیدی نیست (بهشتی، ۱۳۷۸: ۷۰).

اگر با این دیدگاه و طرز تفکر به مضاربه نگاه بشود، نقش آن در رونق اقتصادی کشور و کاهش بیکاری قابل توجه خواهد بود؛ زیرا هرکسی می‌تواند با اندک سرمایه که در دست دارد، به کمک افراد دیگر هم خود از سرمایه اش بهره مند شود و هم دست یک عده افراد بیکار که قدرت و توان کارهای فنی و حرفه‌ای و یا سنگین را ندارند بگیرد، دیگر لازم نخواند بود که مردم پول‌ها و سرمایه خود را دربانک‌ها بخواباند و خود از صبح تا شب دنبال کار بگردد، و به تعداد بیکاران جامعه بیفزاید.

نوع پول در مضاربه

از آنجا که در زمان‌های گذشته و جوامع قدیم معاملات با نَقْدَیْن (درهم و دینار) انجام می‌گرفت، برخی از فقها در مضاربه شرط کرده‌اند که پول پرداختی از طرف صاحب سرمایه حتماً باید درهم و دینار باشد، و گرنه معامله باطل خواهد بود، به دلیل آنکه این معامله در دوران گذشته چنین بوده، حالا نیز باید این‌گونه باشد. ازمیان این فقها مرحوم شیخ طوسی، شهید اول و شهید ثانی قائل به این قول هستند. این‌ها معتقداند که: مضاربه جایز نیست مگر با درهم و دینار، و بر این حرف خود ادعای اجماع می کند(شیخ طوسی، ۱٤۱۱: ۳، ٤٥۹؛ شهیدثانی، ۱٤۱۰: ٤، ۲۱۹).

البته این طرز تفکر، علاوه براینکه با مسأله جهانی بودن شریعت و جاودانگی احکام اسلام، هرگز سازگار نیست، زیرا دین اسلام یک دین پویا و به روز است که برای هرزمان و هرمکان و تحت هرشرایطی برنامه دارد. چنین نسیت که چون در هزارو چهارصدسال پیش مردم با درهم و دینار معاملات شان را انجام می دادند و امروز که آن‌ها از بین رفته است، دیگر معاملاتی تجاری و مضاربه‌ای نیز از بین رفته باشد. ثانیاً، این طرز تفکر، موجب توقف مضاربه در حرکت‌های مهم و سالم اقتصادی خواهد شد. زیرا بر اساس این دیدگاه، چون امروزه، دیگر درهم و دینار در جامعه رواج ندارد، آن‌ها را فقط در موزه‌ها باید جستجو کرد، مردم نتوانند از سرمایه‌های که در دست دارند و راکد مانده است در تجارت مضاربه‌ای استفاده کنند.

از طرف دیگر، در مقابلِ این نوع تفکر، نظریه فقهایی است که زمان و مکان را در این مسأله دخالت می‌دهند، درهم و دینار در روایات باب مضاربه را، اشاره به پول رایج هر زمان می‌دانند. از نظر این دسته از فقیهان، لازم نیست که در مضاربه پول حتما باید طلا ونقره باشد؛ زیرا عنوان مسکوک بودن طلا و نقره در روایات نشان دهنده آن است که نقدین خصوصیتی ندارد، بلکه منظور از آن‌ها پول رایج (هرزمان) می‌باشد. از این رو، مضاربه با پول رایج هرکشور مانع ندارد (طباطبایی یزدی، ۱٤۰۹: ۲، ۵۹۰؛ مکارم، ۱۳۷۵: ۲، ۲۸۵؛ منتظری، ۱۳۸٦: ۳۸۱؛ فاضل لنکرانی، ۱۳۸۰: ۲۹۲؛ حکیم، ۱۳۸۳: ۲، ۱۱٦). براساس این نظریه، امروزه با پول رایج در هرکشوری می‌توان از این اصل سودمند، در حرکت‌های سالم اقتصادی بهره گرفت؛ زیرا مضاربه یک کار تجارتی و بازرگانی است و طبعاً عامل هم که می‌خواهد به خرید کالا، صادر کردن و توزیع آن بپردازد، باید وسیله‌ای پرداخت در مبادلات را که از طرف مقابل به وی عرضه می‌شود داشته باشد. این وسیله پرداخت زمانی نقدین بود و زمانی فلزات دیگر و امروز اسکناس جایگزین آن‌ها گردیده است(عبدالّلهی، ۱۳۷۵: ۲۱۰).

ارکان مضاربه

در عقد مضاربه، چهار رکن(سرمایه، عامل، کار و سود)، نقشی اساسی دارد که نادیده گرفتن هریك و یا شرایط مربوط به آن، به این عقد آسیب می‌رساند. تفصیل این سه رکن به ترتیب عبارتند از:

۱. سرمایه

- سرمایه باید (پولِ نقد) باشد، نه مالی جز آن و نه منفعت یا دَیْن.
- سرمایه باید معیّن باشد، نه مبهم. اگر مالك سرمایه بگوید: با یکی از این دو سرمایه یا با هرکدام که خواستی تجارت کن، سرمایه مبهم است و مضاربه صحیح نیس(بجنوردی،۱۳۷۷: ۷، ۲۹۱).
- مبلغ و نوع پول باید معلوم باشد(حلی، ۱٤۰۸: ۲، ۱۱۲؛ خمینی۱٤۰۷: ۱، ۵٦۸).

۲. عامل امین

یکی دیگر ازعوامل که موجب تقویت و تشویق مشارکت در معامله وکارهای تجارتی می‌شود، امین بودن عامل است. خیلی از افراد پول و سرمایه‌ای کلان در اختیار دارند، ولی تجربه و دانش کافی در امور معاملاتی و تجارتی ندارند، اما حاضر نیستند که سرمایه خود را در اختیار افراد دیگر قرار دهند؛ زیرا به آن‌ها اعتماد و اطمینان ندارند. از نگاه فقه اسلامی در مضاربه، عامل امین است، گفتار او در این جهت که چه نوع معامله‌ای را انجام داده است؟ چه مقدار سودی به دست آورده است؟ و چه مقدار هزینه و خرج برداشته است؟ قابل قبول است. بنابراین، اگر مال المضاربه، زیردست او معیوب یا تلف شود، ضامن نیست. مگر در صورت زیاده‌روی یا کوتاهی، چنانکه از جهت خسارت در تجارت نیز ضامن نیست. امین بودن عامل

مضاربه از دیرباز مورد توجه فقیهان اسلامی بوده‌اند به چند مورد اشاره می‌شود:

۱. مرحوم شیخ مفید می‌فرماید: عامل درمضاربه امین است، مگر اینکه زیاده روی ویا برخلاف شرط مالک عمل کرده باشد(شیخ مفید، بی تا: ٦٣٣).

۲. ابوصلاح حلبی می‌گوید: ضارب و عامل در مضاربه ضامن نیست، مگر تعدی کرده باشد(حلبی، ١٤٠٣: ١، ٣٤٧).

۳. شهیدثانی و صاحب شرائع می‌فرمایند: عامل در مضاربه امین است، مگر این که افراط و تفریط کرده باشد(شهیدثانی، ١٤٠١٠: ٤، ٢١٩؛ حلی، ١٤٠٨: ٢، ١١٤). بقیه فقها نیز قایل هستند که عامل مضاربه امین است. خسارت هم اگر در مال التجاره وارد شود بر عهده صاحب مال است و نه بر عامل.

بنابراین، امین بودن عامل در مضاربه، و اینکه صاحب مال و سرمایه او را یک شریک امین و دلسوز برای خود بداند، در تشویق و موفقیت عامل نقش مهم دارد، زیرا در این صورب او علاوه بر این که خود را مسؤل حفظ اموال صاحب سرمایه می‌داند، دغدغه جبران خسارت را ندراد، با اطمنان و جرأت بیشتر به فعالیت خود ادامه می‌دهد.

۳. کار

وجه عمده مضاربه، کار عامل است؛ عمل عامل یک طرف قرارداد و سرمایه مالک طرف دیگر است، که با پیوند این دو، سود بدست می‌آید. نه بازوی عامل به تنهایی در تجارت سازگار است و نه سرمایه مالک به تنهایی مثمر ثمر است، تا این دو باهم نیا میزند، نتیجه بدست نمی‌آید. اسلام هم به کار ارزش قایل است و هم به سرمایه، مانند مکتب‌های افراطی دیگر نیست، که بگوید فقط کار ارزش دارد و همه سود در مضاربه برای کار است و یا فقط سرمایه ارزش دارد و همه سود برای سرمایه است. در مضاربه کار اساس است، پول و سرمایه هم نتیجه کار است و با ارزش. نه پول بدون کار مولد است و نه کار بدون پول(ابراهیمی، ١٣٧٧: ٨٤) این کار که رکن در مضاره است باید کاری تجاری باشد، نه صنعت یا زراعت و مانند آن (نجفی، بی تا، ٢، ٢٥٢).

٤. سود

۱. رکن دیگر در مضاربه سود و بهره است که میان عامل و صاحب سرمایه تقسیم می‌شود تقسیم سود باید مشاع باشد و سهم هر یك به‌صورت درصدی تعیین گردد.

۲. سود، باید میان مالك و عامل تقسیم شود و شخص سومی در آن شریك نباشد، مگر این که به‌گونه‌ای در کار تجارت دخیل باشد.

انواع مضاربه

مضاربه، به دو صورت فردی و گروهی انجام می‌گیرد:

۱. مضاربه فردی

و آن درصورتی است که هریك از طرفین قرارداد، بیش از یك نفر نباشد. یعنی مالک و صاحب پول یکی و عامل نیز یکی باشد.

۲. مضاربه گروهی

و آن درصورتی است که یکی از طرفین قرارداد یا هردو طرف، به شکل گروهی یا مؤسسه‌ای باشند؛ این قسم از مضاربه به سه صورت امکان‌پذیر است:

۱. صاحب سرمایه یك نفر و عامل متعدد باشد.

۲. صاحب سرمایه متعدد و عامل یك نفر باشد.

۳. صاحب سرمایه و عامل هردو متعدد باشند. همه این انواع از نگاهی فقهی صحیح است، بهره و سود نیز بر اساس توافق که کرده تعلق می‌گیرد(خمینی، ۱٤۰۷: ۱،٥٦۷).

در قرارداد مضاربه به صورت مشارکتی، آیا قرارداد مضاربه به شرط این است که یک عامل و یک مالک باشد یا می‌شود، چند مالک حقیقی یا حقوقی باشد و یک عامل، و یا چند عامل و یک مالک؟ روایاتی که در باب مضاربه وارد شده‌اند، به این اشاره می‌کنند که باید یک عامل و یک مالک باشد و یا اگر مالک حقوقی یک طرف باشد و عامل یکی باشد، اشکال ندارد؛ چون مالک حقوقی، مثل دولت یا موقوف علیهم در حکم یک نفر محسوب می‌شود و اگر عاملان هریک در نوعی خاص و جهت جدا تجارت انجام بدهند، اشکال ندارد؛ چون حکم واحد را دارند، مثل این است که مالک، چند عامل جدا جدا و هریک به تجارتی خاص بپردازند، اما سؤال این است که اگر عاملان بخواهند با یکدیگر به عنوان شریک روی سرمایه مالک کارکنند که به نام «شرکه الابدان» یا شرکت در اعمال معروف است، چه حکمی دارد؟ در فقه امامیه اختلافی در بطلان این شرکت وجود ندارد، جز ابن جنید که به قول بعضی شرکت در اعمال را مباح شمرده است. دیگر فقیهان آن را در تمام صورتهای خود بی اعتبار دانسته‌اند(نجفی، جواهرالکلام: ۲۶، ۲۹۷) دلیل بطلان، اینگونه بیان شده است که شرکت، عقد شرعی است و نفوذ آن موقوف به اذن شارع است، که از این مبنا اصل عدم شرکت استخراج می‌شود،که هیچ دلیل قطعی در مورد شرکت اعمال، برخلاف آن وجود ندارد. وانگهی از چنین شرکتی ضرر زیاد برمی‌خیزد و معلوم نیست هر شریک در برابر کاری که می‌کند چه بدست می‌آورد (همان، ۲۶، ۲۹۷؛ حکیم طباطبایی، ۱۳۹۰: ۱۳، ۱۶-۱۷).

سؤال دوم این است که اگر مالک متعدد باشد و اموال خود را به چند عامل بدهند که شریک شوند، در این صورت نوع شرکت، نسبت به مالکان «شرکه الاموال» است و این شرکت اشکال ندارد. سید محمد کاظم یزدی می‌فرماید: «یجوز اتحاد المالک و تعدد العامل مع اتحاد المال»؛ جایز است که مالک یک نفر باشد و عامل متعدد باشند و در عین حال مال شیء واحد باشد»(کاظم الطباطبایی، ۱٤۰۹: ۲، ۵۴۲). علامه می‌فرماید: «یجوز تعددهما و اتحادهما و تعددهما خاصه»؛ جایز است که مالک و عامل متعدد باشند و جایز است، مالک و عامل هرکدام یک نفر باشند و نیز جایز است یکی از طرفین متعدد باشند(حلی، قواعد الاحکام: ۸، ۵۷). دلیل این گروه، اطلاق ادله است. مرحوم آیه الله خویی می‌فرماید: «درحقیقت مضاربه منحل می‌شود به دو یا چند مضاربه دیگر؛ چون اتحاد در مقام انشاء، منافی تعدد در واقع نیست» (خویی، مبانی العروه الوثقی: ۳، ۸۷).

امام خمینی می‌رماید: «یجوز اتحاد المالک و تعدد العامل فی مال واحد مع اشتراط تساویهما، فیما یستحقان من الربح و فضل احدهما علی الآخر و ان تساویا فی العمل»؛ یکی بودن مالک و تعدد عامل در مال واحد جایز است، چه به شرط تساوی درسود یا به شرط عدم تساوی درسود، اگرچه درعمل مساوی باشند، همچنین جایز است، مالک متعدد و عامل یکی باشد، به این صورت که مال میان دو نفر مشترک باشد(امام خمینی، ۱٤۰۷: ۲، ۵۵۶،) همچنین اگر مالک و عامل در مضاربه شریک شوند، این هم درست است.

همچنین می‌توان از این حدیث، موضوع شرکت را استفاده نمود: «عن عبدالملک بن عتبه قال قلت لاازال أعطی الرجل المال، فیقول: قد هلک واو ذهب، فما عندک حیله تحتالها لی، فقال: اعطی الرجل الف درهم و اقرضها ایاه و اعطه عشرین درهماً یعمل بالمال کله و تقول هذا رأس مالی و هذا رأس مالک، فما اصبت منها جمیعاً فهو بینی و بینک، فسألت ابا عبدالله(علیه السلام) عن ذالک فقال: لابأس به»(طباطبایی بروجردی، جامع احادیث الشیعه: ج۲۳، کتاب المضاربه، ب۲، ح۱، ص۴۸۹؛ حرعاملی، وسائل الشیعه: ج۱۹، ص۱۹، کتاب المضاربه، ب۲، ح۱)، اینجا خود عامل در عین اینکه عامل است، با مقدار مال خودش، شریک مالک در مضاربه هم می‌باشد، به این صورت که صاحب سرمایه، مثلاً ۲۰ درهم به عنوان مضاربه و ۱۰۰۰ درهم نیز به عنوان قرض به عامل می‌دهد و می‌گوید: این هزار درهم سرمایه من است و آن ۲۰ درهم نیز سرمایه تو است که باهم شرکیم و با آن مضاربه انجام بده و آنچه بدست آمد، نصف از من و نصفش برای تو باشد. راوی این شیوه را در مضاربه به امام صادق (علیه السلام) گفت، حضرت فرمودند: «لا بأس به»، در این فرض، صاحب سرمایه در۲۰ درهم به عنوان صاحب مال با عامل شریک است و در هزار درهم به عنوان اینکه آن را قرض داده در اصل، مالک است و اگر سرمایه تلف شود، در مقدار ۱۰۰۰ درهم ضرر به صاحب مال نمی‌خورد، چون به عنوان اینکه

آن را قرض داده، باید اصل آن مسترد شود و در بیست درهم اگر ضرر واقع شود، اگر شرط نکرده باشند که خسارت وارده بین هردو باشد، به مقدار شرط خسارت بر مال صاحب مال وارد می‌شود. نتیجه‌ای که می‌توان از حدیث مزبور گرفت، این است که این مضاربه از شرکت تشکیل شده است، یکی شرکت مضاربه بین مالک و عامل و دیگری شرکت اموال بین ۱۰۰۰ درهم و ۲۰ درهم، و اگر صاحب مال، خودش هم شریک شود از نظر کاری با عامل شریک در اموال به وجود آمده، و این نوع شرکت، چنانکه قبلاً گذشت، نزد فقهای معاصر و پیشین اشکال ندارد (ابراهیمی، پیشین، ۱۱۳-۱۱۵).

از سوی دیگر بعضی فقها اینگونه موارد را، در شمار شرکت اعمال محسوب کرده‌اند و این را به دلیل اجماع، باطل می‌دانند، گرچه در این مقام اجماع کافی نیست، چون اجماع، اجماع مدرکی است، لذا نمی‌توان به آن تمسک کرد. البته سید محمدکاظم یزدی می‌گوید: این موارد، از شرکت اعمال نیست، بلکه در عنوان مضاربه محسوب خواهدشد(خویی، مبانی العروه الوثقی: ج۳، ص۲۲۵، مسأله۱۶) و نکته خوبی صاحب جواهر گفته‌اند: «در لسان نصوص لفظ «رجل» یا «عامل» آمده، این به معنای جنس است، لذا به بیشتر از یک نفرصدق می‌کند»(نجفی، بیتا: ج۲۶، ص۳۲۰)،گرچه ادعای صاحب جواهر، قابل تصدیق است، ولی این ادعا خلاف ظاهر است. در مقام اثبات ادعای ایشان، احتیاج به دلیل است و آن دلیل مفقود است. هترین قول در این مقام این است، که مضاربه از معاملات شرعیه محض نیست. شارع مقدس این معامله را تأسیس نکرده، بلکه این یک معامله عقلائی بوده و هست. قبل از اسلام این معامله نزد عقلاء معروف بوده و شارع، مضاربه را امضا کرده است. لذا نزد عقلاء، مضاربه مقید به عامل واحد نیست بلکه اگر، عاملان متعدد باشند، مضاربه با عاملان متعدد واقع خواهد شد، مانند اجاره که گاه مالک یک اجیر را می‌گیرد و گاه اجیرهای متعدد. برای کشف امضای شارع در صحت این حکم، همین دلیل کافیست، که هیچ دلیلی بر عامل واحد دلالت نمی‌کند؛ به عبارت دیگر، عدم ورود نهی بر عاملان متعدد، از ادله امضای عقد مضاربه است، بعد از اینکه سیره عقلائیه بر این مطلب قائم شده، پس برای صحت معامله مذکور این امر کافی است.(خویی، مبانی العروه الوثقی: ج۳، ص۲۲۴).

احکام مضاربه

مضاربه احکام و شرایطی دارد که به تفصیل درکتب فقهی آمده است. بدون اطلاع از برخی از آنها شناخت خوبی از مضاربه حاصل نخواهد شد. از آنجا که نظر تمام فقهاء در همهٔ این احکام و شرایط یکسان نیست، نظر اکثریت را در ذکر مطالب ملاک قرار می‌دهیم. باید توجه کرد که هرکالایی را نمی‌توان سرمایهٔ مضاربه قرار داد. سرمایه باید سکه طلا و نقره‌ای که بتوان با آنها خرید و فروشی کرد (درهم و دینار) یا پول رایج بلد باشد. مقدار آن هم باید مشخص باشد. سود حاصل از مضاربه هم دو شرط مهم

دارد. یکی معین بودنِ – سهم هریک از طرفین و دیگری تعیین سهم به صورت کسر و درصدی از سود؛ مثلاً سهم هر یک نصف سود باشد یا سهم یکی یک سوم و سهم دیگری دو سوم سود. پس نمی‌توان گفت سهم یکی صد هزارتومان و بقیه سهم دیگر افراد. شرط مهم دیگر نحوهٔ معامله است. عامل باید با سرمایه مضاربه خرید و فروش کند و نمی‌تواند به دیگر فعالیتهای اقتصادی مثل زراعت و ساختمان سازی بپردازد. برای پرداختن به فعالیتهای دیگر اقتصادی مانندکارهای تولیدی یا حمل و نقل یا... می‌توان از سایر قراردادها نظیر اجاره، جعاله، شرکت، مزارعه و... بهره جست.کار اقتصادی درمضاربه منحصر به خرید و فروش است.

امام خمینی در این باره می‌نویسد: «شرط است که استرباح (طلب نمودن سود) به‌واسطه تجارت باشد، پس اگر مالی را به کشاورز بدهد تا آن را در زراعت مصرف کند و حاصل آن بین آن دو مشترک باشد، یا مالی را به صنعت‌کار بدهد تا در حرفه‌اش مصرف کند و فایده بین آن دو مشترک باشد، صحیح نیست و مضاربه نمی‌باشد»(امام خمینی، ۱٤۰۲: ۱، ٦٤۷). ویا مرحوم حکیم در مستمسک فرموده است: هی عبارة عن دفع الانسان مالاً الی غیره لیتجر به علی ان یکون الربح بینهما لا ان یکون تمام الربح للمالک ولا ان یکون تمامه للعامل (حکیم، ۱۳۹۰: ۱۲، ۲۳۷) مضاربه عبارت است از این که شخصی پولی را به عنوان تجارت به دیگری می‌دهد تا او با آن کار کند و سود حاصله را تقسیم نمایند، نه این که تمام سود برای مالک باشد و نه تمام آن برای عامل. شهید ثانی در تعریف مضاربه می‌گوید: مضاربه عبارت است از این‌که شخصی مال و سرمایه خو را به دیگری بدهد تا در مقابل سود وبهره‌ای معین، با آن کار کند (شهیدثانی، ۱٤۱۰: ٤، ۲۱۹). برخی گفته اند: مضاربه، ترکیب مستقیم دو عامل کار وسرمایه است، که سرمایه دار سرمایه خود را در اختیار کارگر قرار می‌دهد تا طبق قرار داد که بسته اند با آن تجارت کند و در سود به دست آمده طبق همان قرار به نسبت معین شریک باشد(موسی صدر، ۱۳۷۹: ۷۰).

شرایط صحت عقد مضاربه

باید ایجاب از جانب صاحب سرمایه و قبول از جانب عامل باشد و هرلفظی (چه عربی و چه غیر عربی) یا هر فعلی که بر این معنا دلالت کند، کافی است.

در دو طرف این عقد، بلوغ و عقل و اختیار؛ و در صاحب‌مال محجور نبودن به جهت افلاس؛ و در عامل، قدرت بر تجارت با سرمایه شرط است. پس اگر عامل مطلقاً عاجز باشد، باطل است و درصورتی‌که در قسمتی از آن عاجز باشد، بعید نیست – با اشکالی که دارد – به نسبت صحیح باشد. البته اگر در اثنای تجارت، ناتوانی عارض شود، از همان وقت عروضش درصورتی‌که مطلقاً عاجز شده باشد نسبت به همه آن و اگر نسبت به قسمتی ازآن عاجزشده، بنابر اقوی نسبت به همان بعض باطل می‌شود(امام خمینی، پیشین، ۱، ۶۴۶).

لزوم و جواز عقد مضاربه و فسخ آن

یکی از ویژه گی‌های خوب مضاربه، غیر لازم بودن عقد مضاربه است. از این رو، اگر هرکدام از عامل و صاحب مال احساس کند که این عقد به سود او نیست، می‌تواند عقد را بهم بزند و از سرمایه، دانش و تجربه خود در جای دیگر که منفعت و سود بیشتر دارد استفاده کند و لو شروع به کار تجارتی هم کرده باشد. لازم نبودن عقد مضاربه‌ای، باعث میل و رغبت به انعقاد قرار داد بین دو طرف می‌شود، چنانچه لازم بودن یک عقد و قرار موجب بی میلی در میان متعاقدین است زیرا در این صورت است که طرفین بعد از عقد باید به آن ملتزم باشند و لو سود و منفعت کمتر نصیب شان شوند(حلی، ١٤٠٨: ١١٠،٢) عقد مضاربه، ازنگاه فقهای شیعه غیرلازم است هم از طرف مالک و صاحب سرمایه و هم از طرف عامل، و لذا می تواند آن را به هر لفظ بخواند (شهیدثانی، ١٤١٠: ٤، ٢١٢؛ طباطبایی یزدی، ١٤٠٩: ٢، ٦٤٤).

شیخ طوسی می‌فرماید:« و صاحب المال متی اراد ان یاخذ ماله من مضاربه کان له ذالک و لم یکن للمضارب الامتناع علیه من ذالک» (طوسی، النهایه: ص۴۲۹) صاحب مال هر موقعی خواست، می‌تواند مال خود را از عامل بگیرد، عامل حق ندارد که از این اقدام مالک امتناع کند.

ابن براج می‌گوید: «والقراض من العقود الجایزه فی الشریعه، بغیر خلاف» (ابن براج، المهذب: ۴۶۰،۱) در شریعت اسلام هیچ خلافی نیست که قراض از عقود جایزه است.

ابن حمزه می‌گوید: «و هو عقد جایز بین الطرفین»(ابن حمزه، الوسیله: ص۲۶۴) مضاربه عقد جایز است از هردو طرف.

ابن ادریس می‌گوید: «المضاربه عقد جایز من الطرفین لکل واحد منهما فسخه متی شاء»(ابن ادریس حلی، السرائر: ۲، ۴۰۹) مضاربه عقد جایز است از هردو طرف و هردو این حق را دارند که هرموقعی خواستند عقد را فسخ کنند.

محقق می‌گوید: «و هو جایز من الطرفین لکل واحد منهما فسخه»(محقق حلی، ١٤٠٨: ٢، ١٢٥) مضاربه از هردو طرف، عقد جایز است و هردو حق فسخ دارند.

ابن رشد می‌گوید: «اجمع العلماء علی ان اللزوم لیس من موجبات عقد القراض» (ابن رشد قرطبی، بدایه المجتهد: ۲۴۰،۲) علما اجماع کردند که لزوم از موجبات عقد قراض نیست و هردو حق فسخ دارند.

ابن قدامه می‌گوید: « و المضاربه من العقود الجایزه تنفسخ بفسخ احدهما . . .» (ابن قدامه، المغنی: ۵، ۱۷۹) مضاربه از عقود جایز است، انفساخ می‌شود به فسخ یکی.

پس تنها دلیلی که بر جایز بودن عقد مضاربه، دلالت می‌کند، اجماع است. چون ادله لزوم قاصر است، که عقود اذنیه را شامل شود؛ زیرا که معنای عقود اذنیه، این است که هیچ التزام و لزومی برای هر یک از متعاقدین، در برابر چیزی، وجود ندارد که شامل «اوفوا بالعقود» شود. مفهوم مضاربه در حقیقت، مجرد اباحه و اذن در تصرف از یک طرف، و قبول از طرف دیگر است، مانند عاریه، لذا وقتی مالک از اذن خود، برگردد، قرارداد مضاربه فسخ خواهدشد، یا مالک خواست که عامل برمال وی تسلط داشته باشد و هرتصرفی درمالش انجام دهد، در این صورت قرارداد مضاربه ادامه می‌یابد. پس تنها دلیل بر جواز مضاربه اجماع است، که این اجماع چندان معتبر نیست و نمی‌تواند موضوع را اثبات کند؛ زیرا اجماع برگرفته شده از مفاهیم و مضامین روایات است و به اصطلاح فقهاء اجماع مدرکی است. لذا نمی‌توانیم برای اثبات این موضوع، به اجماع تمسک بجوییم. در این زمینه بهترین قول؛ قول محقق خویی[۱۵] است،که فرموده‌اند: «این اجماع ثابت نشده و و قضاوت عرف، بهترین دلیل بر این است که مضاربه از عقود جایز است، چون عرف می‌گوید، هنوز ارتباط مالک با مالش قطع نشده و این ارتباط با موردی که مال را فروخته باشد فرق دارد و قراض و مضاربه مانند مال عاریه‌ای است و امانتی است که ارتباط صاحب مال، با آن قطع نشده است»(خویی، مبانی العروه الوثقی: ۳، ۳۸). ولی ممکن است کسی بر ایشان اشکال کند که بر فرض ارتباط صاحب مال با مالش قطع نشده باشد، این به منزله دلیل لزوم و جواز محسوب نمی‌شود، پس کدام دلیل وجود دارد که جواز مضاربه را اثبات کند. قبل از آوردن دلیل، باید چند امر، به عنوان مقدمه دلیل، ذکر شود:

۱- اصل در عقود لزوم است و اثبات جواز یک معامله، نیاز به دلیل دارد و دلیلی که برای جواز مضاربه ذکر می‌شود، اجماع است که قابل قبول نیست، چون اجماع، مدرکی است.

۲- وقتی مالک سرمایه خود را در اختیار عامل می‌گذارد و عامل سرمایه مالک را در راه تجارت صرف می‌کند، عملشان نشانگر این حقیقت است که هردو نسبت به یکدیگر، اطمینان دارند، پس اگر مضاربه جایز باشد و هردو، هر زمان خواستند، بتوانند فسخ کنند، این امر اطمینان طرفین را از بین خواهد برد. در آن صورت مضاربه چندان فایده‌ای نخواهد داشت. با توجه به امور مذکوره، مضاربه در عرف از معاملات لازم است. شیخ انصاری در مکاسب، بعد از فراغ از تعریف بیع، این امر را ذکر نموده‌اند که از صحت عرفی، صحت شرعی کشف می‌شود. بنابراین مضاربه در عرف از معاملات لازم است و این کشف می‌کند که شرعاً همین طور است (شیخ انصاری، المکاسب: ۸۰).

گاهی مضاربه از ابتدا به دلیل نبود شرایط (شرایط عقد مضاربه، طرفین، سرمایه و شرایط ربح) باطل است و گاهی هم به دلایل ذیل باطل می‌شود:

۱- با مرگ یکی از طرفین مضاربه باطل خواهد بود و ورثه اگر بخواهند می‌توانند مضاربه جدیدی منعقد کنند.

۲- قبل از شروع مضاربه اگر کل سرمایه تلف شود مضاربه باطل است (البته اگر در تلف شدن سرمایه، طبق آنچه در درس ودیعه آمده است، عامل ضامن باشد، باید جبران کند).

۳- عامل نمی‌تواند خودش با دیگری مضاربه کند یا با دیگری در مضاربه مشارکت کند. مگر مالک اذن دهد و در صورت اذن مالک، مضاربه اول باطل است و در مضاربه دوم نیز بسته به نوع اذن مالک: الف) یا عامل با فرد دوم مشترکاً عامل خواهند بود. ب) یا عامل دوم فقط عامل است.

نتیجه‌گیری نهایی

با توجه به تعریف که از مضاربه ارائه شد، مضاربه در اصل مربوط به سرمایه‌گذاری یک نفر و تجارت نفر دیگر با آن سرمایه است و سپس تقسیم سود حاصل، طبق توافق قبلي؛ و چون غالباً برای تجارت مسافرت می‌کردند، مضاربه (ضرب در أرض به معنی سفر است) نامیده شده، عدّه‌ای از فقها معتقد بودند مضاربه حتماً از طریق تجارت و باید با درهم و دینار باشد، ولی ما معتقدیم هیچ‌کدام از این امور شرط نیست و مضاربه به معنی سرمایه‌گذاری از یک‌سو و عمل از سوی دیگر است. چه تجارت یا صنعت یا زراعت یا دامداری باشد. با اسکناس یا درهم و دینار و امثال آن.

به عبارت دیگر مضاربه در واقع یک امری توزیعی و تجاری است وهدف آن این است که کسی که قدرت و مهارت کار را دارد، اما پول و سرمایه ندارد، اما دیگری پول دارد ولی قدرت دانش و تجربه‌ای کافی را ندارد، با یکدیگر به شرکت بپردازند؛ زیرا در غیر این صورت، دو چیز راکد و بیکار می‌ماند: یکی عامل یا عاملان و دیگری سرمایه نقدی. اسلام با نظر به این که راضی نیست افراد بیکار باشند و همچنین سرمایه راکد بماند و با توجه به این که در دنیای امروز، روز به روز بر جمعیت جهان افزوده می‌شود و بیکاری و عدم اشتغال رو به افزایش است، می‌کوشد با مضاربه بخشی از افراد بیکار را که در واقع سربار جامعه و دولت است، به کار و اشتغال وا دارد، ازآن طرف سرمایه‌ها و پول‌های راکد را که به سان خون در رگ‌های جامعه است به جریان اندازد و این دو موضوع (بیکاری و به جریان انداختن پول‌های راکد مردم در امر اقتصادی) در دنیا بسیار مهم است و خود دلیل بر ارتباط نزدیک مضاربه با اقتصاد است. از این رو ایجاد اشتغال و به کار انداختن پول و سرمایه در امور اقتصادی جامعه از اهداف اولیه و مهم مضاربه است.

سود حاصل از مضاربه دونوع می‌تواند باشد: ۱- درصدی را برای هرطرف معین‌کنند؛ ۲- مبلغ مشخصی را برای صاحب سرمایه در نظر بگیرند؛ به‌شرط این‌که سود حاصل از آن معامله چیزی بیشتر از مبلغ تعیین‌شده باشد تا طرف دیگر هم‌سودی ببرد.

نکته: سرمایه‌گذار می‌تواند مبلغی را علی‌الحساب در ماه بگیرد و در انتهای مضاربه یا زمان خاص دیگري، به‌طور دقیق محاسبه کنند. زیان حاصل در مضاربه (کم شدن اصل سرمایه) به‌شرط عدم تعدّی و تفریط عامل، مربوط به سرمایه‌گذار است. هرچند عامل نیز چون سودی از کارش به دست نیاورده زیان کرده است و در فرض سهل‌انگاری، باید عامل زیان را جبران کند. پس اگر سرمایه‌گذار زیان را نپذیرد مضاربه باطل است. مگر این‌که در عقد خارج لازمی مانند بیع شرط کنند چنانچه سرمایه در مضاربه لطمه خورد، آن را عامل جبران می‌کند. مهم انجام عقد خارج لازمی به‌صورت واقعی و جدی است. مثلاً جنسی را بخرد و در ضمن این خریدوفروش، شرط کند که عامل زیان احتمالی از مضاربه را جبران می‌کند.

بنابراین؛ احکام مضاربه بطور خلاصه بقرار ذیل است:

۱) مضاربه یک قرارداد دو طرفه است و نیاز به ایجاب و قبول دارد.

۲) مضاربه از هردو طرف جایز است؛ طرفین مضاربه هر وقت بخواهند می‌توانند مضاربه را به هم بزنند.

۳) اگر مضاربه ضرر بدهد یا اصل سرمایه خسارت ببیند و عامل مقصّر نباشد، خسارت و ضرر بر عهدهٔ عامل نیست؛ اما اگر بعد از آن سودی حاصل شود ابتدا خسارتها جبران می‌شود و اگر چیزی از سود باقی ماند تقسیم می‌شود.

۴) اگر مالک و عامل بعد از این که در قرارداد سودشان را به صورت درصد مشخص کردند قرار بگذارند که عامل ماهیانه مقدار مشخصی از سود را به صورت علی الحساب به مالک بدهد تا در پایان مضاربه یا بعد از مثلاً یک سال، سود دقیق محاسبه شود، اشکال ندارد. بعد از محاسبهٔ سود، می‌توانند میزان کسری یا اضافی را جبران کرده یا این که نسبت به آن مصالحه کنند و چیزی اضافه از یکدیگر نگیرند.

۵) اگر بعد از حصول سود معلوم شود مضاربه باطل بوده است در این صورت تمام سودیکه از سرمایه حاصل شده متعلق به صاحب سرمایه (مالک) است و مالک باید اجرت المثل کاری را که عامل انجام داده است به او بپردازد(بنی هاشمی خمینی، ۱۳۷۹: ۲، ۲۶۳).

فهرست منابع

❖ قرآن کریم، ترجمه: مکارم شیرازی.

۱) . محمد بن مکرم، ابن منظور، لسان العرب، ماده ضرب، ج۱ و ۵.

۲) ابراهیمی، محمد حسین، مضاربه در اسلام، قم، انتشارات حوزه علمیه قم،۱۳۷۷، چاپ اول.

۳) ابن ادریس الحلی، السرائر.

٤) ابن حمزه، الوسیله.

۵) ابن رشد القرطبی، بدایه المجتهد.

٦) ابن قدامه، المغنی، ج۱.

۷) ابن هشام، سیره ابن هشام،ج۱، بیروت، دارالقلم، بی تا.

۸) احمد بن محمد فیومی، المصباح المنیر، ماده ضرب.

۹) اسماعیل ین حماد، الجوهری، الصحاح، ماده ضرب.

۱۰) امام خمینی، روح الله، تحریرالوسیلة، دمشق، منشورات، انتشاریة الثقافیة الجمهوریة الاسلامیة ایرانیة بدمشق،۱٤۰۷ق.

۱۱) امام خمینی، روح الله؛ تحریرالوسیله، قم، مؤسسة النشر الاسلامی، ۱۴۲۰.

۱۲) بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیة، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۷، چاپ اول.

۱۳) بجنوردی، حسن، القواعد الفقهیة، قم، نشر الهادی، ۱۳۷۷ش، چاپ اول.

۱٤) بنی هاشمی خمینی، سیدمحمدحسن، توضیح المسائل مراجع، دفتر انتشارات اسلامی، ۱۳۷۹.

۱۵) بهشتی، محمد، اقتصاد اسلامی، تهران، دفتر نشر و فرهنگ اسلامی، ۱۳۷۸، چاپ هفتم.

۱٦) حکیم، سید محسن، مستمسک العروة الوثقی، ج۱۲، نجف، مطبعة الادب، ۱۳۹۰ق، چاپ دوم.

۱۷) حلبی(ابو صالح)، تقی الدین، الکافی فی الفقه، بی جا، ۱٤۰۳.

۱۸) حلی(محقق)، نجم الدین جعفر بن حسن، شرائع الاسلام، قم، مؤسسة اسماعلیان۱٤۰۸.

۱۹) السید ابوالقاسم الخویی، مبانی العروه الوثقی، ج۳،

۲۰) السید حسین الطباطبایی البروجردی، جامع احادیث الشیعه، ج۲۳،

۲۱) شهیدثانی، زین الدین‌العاملی، شرح لمعه، مصحح کلانتر، قم، مکتبه داوری، ۱٤۱۰ق، چ اول.

۲۲) شیخ طوسی، الخلاف، قم، مؤسسة نشر اسلامی، ۱٤۱۱ق، چاپ اول.

۲۳) طباطبایی حکیم، سیدمحمدسعید، رساله احکام فقهی، قم، دفترمعظم له، دوجلدی،۱۳۸۳.

۲٤) طباطبایی یزدی، محمدکاظم، العروة الوسقی، بیروت، مؤسسة الاعلی للمطبوعات، ۱٤۰۹ چهارم.
۲۵) عبد العزیز بن براج، المهذب،
۲٦) عبدالهی، محمود، مبانی فقهی اقتصاد اسلامی، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۳۷۵، چاپ دوم.
۲۷) فاضل لنکرانی، محمد، توضیح المسائل، قم، مطبوعات امیر، ۱۳۸۰.
۲۸) محمد بن الحسن الحر العاملی، وسائل الشیعه، ج۱۹،
۲۹) محمد بن حسن بن علی الطوسی، النهایه،
۳۰) مفید(شیخ مفید)، محمد بن نعمان، المقنعة، ناشر، کنگره جهانی هزاره شیخ مفید، بی تا.
۳۱) مکارم شیرازی، ناصر، استفتائات جدید، قم، مدرسه امام امیرالمؤمنین، ۱۳۷۵.
۳۲) منتظری، حسینعلی، توضیح المسائل، قم، نشر سرایی، ۱۳۸٦، بیست و دوم.
۳۳) موسوی خمینی، سید روح الله، کتاب مضاربه، مؤسسه نشر آثار امام خمینی، ۱۳۹۲.
۳٤) موسی صدر، اقتصاد درمکتب اسلام، پاروقی، علی حجتی‌کرمانی، تهران، انتشارات کتاب آوند دانش، ۱۳۷۹، چاپ دهم.
۳۵) نجفی، محمد حسین، جواهرالکلام فی شرح شرائع الاسلام، بیروت، دار احیاء التراث العربی، بی تا، چاپ هفتم.
۳٦) نوری، حسین، مستدرک الوسائل، ج۱۳، قم، مؤسسة ال البیت، ۱٤۰۸.